



# سرنوشت

## خوشبختی

## و بدبختی

آفریده است. و هیچ واقعه‌ای اتفاقی و تصادفی نمی‌تواند باشد. و اما در طرف مقابل وقتی از افراد شکست خورده سوال می‌شود که علت شکست آن‌ها چه بوده است. این دسته آدم‌ها معمولاً خودشان را فراموش می‌کنند و همه تقصیرات را یک جا به گردن زمانه و اوضاع و احوال و امکانات و ترک دیوار و دوستان و شانس می‌اندازند. راستی حق با کدام گروه است؟

خدای دانا و حکیم در قرآن سوره الرعد آیه ۱۵ فرموده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»؛ یعنی: «خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آن‌ها خود را تغییر دهند.» این قانون که یکی از پایه‌های اساسی جهان‌بینی و جامعه‌شناسی در اسلام است، به ما می‌گوید: مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کسی در دست خود شما است و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام به خود آن‌ها بازگشت می‌کند. و این یک سنت تغییر ناپذیر الهی است. فیض و رحمت خدا بیکران و عمومی و همگانی است، ولی به تناسب شایستگی‌ها ولیاقت‌ها به مردم می‌رسد.

دوستان عزیز، به نظر شما موفقیت آرزویی ناممکن یا واقعیتی دست‌یافتنی است؟

بعضی از انسان‌ها به موفقیت به شکل یک فرایند دست‌نیافتنی و به افراد موفق به شکل عده‌ای موجودات

دور و بر ما انسان‌ها پر است از آدم‌های موفق و شکست خورده. آیا آن‌ها که زندگی خوبی برای خود رقم زده‌اند. و از آن لذت می‌برند به صورت تصادفی و شانسی به آن رسیده‌اند. همه ما مصاحبه قهرمان‌های المپیک و مدال‌آوران عرصه علم و دانش را گوش داده‌ایم. هر گاه از آن‌ها سوال می‌شود. چگونه به آن موفقیت بزرگ دست پیدا کرده‌اند. جواب شنیده‌ایم. با تلاش و تمرین و دوری از تفریحات و سرگرمی‌ها و وقت‌گذرانی‌های معمولی که اغلب مردم با آن سر و کار دارند. شبانه‌روز تلاش کرده‌اند تا به قهرمانی رسیده‌اند. یک قهرمان المپیک چهار سال دور تفریح و مسافرت را خط می‌کشد. ساعت‌ها در طول شبانه‌روز تمرین‌های سنگین انجام می‌دهد. تا به رکوردهای بالا دست پیدا کند و در مسابقه اصلی پیروز میدان گردد. همه ما فوتبالیست مشهور دیوید بکهام را می‌شناسیم. او یکی از بهترین سانترها و کاشته زن‌های پشت هجده قدم دنیای فوتبال بود. یادم می‌آید در مصاحبه‌ای از او خواندم که در جواب سوال این که شما چگونه خیلی دقیق توپ‌ها را روی سر مهاجمان می‌فرستید. گفته بود: من ساعت‌ها تمرین می‌کنم شاید در طول یک روز دوازده سیزده ساعت توپ سانتر می‌کنم آن قدر این کار را انجام می‌دهم تا کفش‌هایم پاره می‌شود و کفش جدیدی یا می‌کنم و به تمرین ادامه می‌دهم. واقعا خالق این جهان همه چیز آن را با حساب و کتاب



خارق العاده نگاه می کنند. اگر دوستی به هدفی مشخص رسیده باشد، شاید این جمله را همه در موردش شنیده باشیم که «خدا شانس بدهد، بعضی ها از زمین و آسمان برایشان می بارد! خوش بحالش... کاش من جای او بودم...»

شاید بارها با این جملات مواجه شده باشیم ولی واقعیت چیز دیگری است و آن را کمتر کسی می بیند. واقعیتی که پشت موفقیت هر انسانی نهفته است، داشتن امکانات و هوش و ثروت و حمایت نیست... واقعیت تنها و تنها صبر و پشتکار و امید و ایمان قلبی به هدف است... که اغلب نمود بیرونی ندارد! ما اینها را نمی بینیم... هر رشدی برنامه و تلاش مخصوص بخودش را دارد. بنابر این اگر می خواهیم مسیر موفقیت را برویم باید آماده خیلی چیزها باشیم. از سختی راه نهراسیم و ایمان واقعی داشته باشیم. هر تلاش و سخت کوشی پایان خوشی به همراه خواهد داشت و آن پایان خوش همان جایزه ای است که خدا برای ما در نظر گرفته است. یعنی خوشبختی و پیروزی.

به امید روزهای خوش خوشبختی و پیروزی شما!